

طرح استیضاح وزیر امور اقتصاد و دارایی با وجود نگاه انتقادی بخش قابل توجهی از نمایندگان به این استیضاح، از سوی هیأت رئیسه برای بررسی به کمیسیون اقتصادی ارجاع شد. استیضاح حق قانونی و مسلم نمایندگان و یکی از ابزارهای نظارتی مهم مجلس شورای اسلامی برای نظارت بر عملکرد دولت است. اما مسأله اینجا است که تا پیش از این به جریان افتادن استیضاح عبدالناصر همتی حتی با انتقاد اکثریت نمایندگان هم مواجه بوده است.

نمایندگان منتقد استیضاح بر این باور بودند که رفتن به سمت استیضاح آن هم تنها چند ماه پس از آغاز به کار دولت، اقدامی زودهنگام به شمار می‌رود. حال آن‌که نکات، با این نکته مضاعف مواجه است که در میانه جنگ اقتصادی که برای کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا و امضای دستورالعمل اجرایی او علیه ایران، استیضاح وزیر اقتصاد با مصدحت سنجی ضروری است که لازمه شرایط امروز کشور است، متناسب نیست. نمایندگان منتقد استیضاح وزیر اقتصاد بر این باورند که در صورت به ثمر رسیدن دیدگاه دیگر همکارانشان که منتقد وزارت اقتصاد هستند، و بازیس گرفتن مسئولیت وزارت اقتصاد از همتی در چنین هنگامه‌ای، نتیجه‌ای جز بی‌منوی متلاطم در پی نخواهد داشت. وجه

کردن سکان آن در میانه دریایی چنین متلاطم در پی نوسانات ارزی است، و چه دیگری بازار از مضر نمی‌شود و چه دیگری از دلایل ناچای خواندن استیضاح که نمایندگان منتقد استیضاح مطرح می‌کنند، نادیده گرفتن تقسیم اختیارات قانونی است که به واسطه قانون مصوب مجلس یازدهم میان وزارت اقتصاد و بانک مرکزی وجود دارد. بر اساس قانون تقویت وظایف و اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳۰ خرداد ۱۴۰۲:

«مهار تورم، حفظ و ارتقای ارزش پول ملی و مدیریت بازار ارز» در زمره اهداف و وظایف بانک مرکزی قرار دارد و از عهده مستقیم وزارت اقتصاد خارج است. اما حالا عبدالناصر همتی در حالی با درخواست استیضاح مواجه شده است که انتقادی علیه متولی دیگر بازار ارز مطرح نمی‌شود و چه بسا برخی از طراحان استیضاح مخالف



**به دلیل بار سیاسی زودهنگام، اکثریت مجلس با همراهی آن همراهی در رودربایستی طراحان استیضاح با گرفتن قول منتشر نشدن اسامی آن را امضا کردند**

## استیضاح مشکلات را حل نمی‌کند



محمد میرزایی نماینده تکاب

کشور از نظر اقتصادی در شرایط مناسبی قرار ندارد. در کنار این مسأله، ما با فشار حداکثری ترامپ رئیس جمهوری آمریکا علیه کشورمان هم مواجه هستیم. این شرایط به ما می‌گوید که اکنون زمان مناسبی برای استیضاح وزیر اقتصاد به عنوان مسئول اول اقتصاد کشور نیست. این امر به این معنی خواهد بود که ما در آغاز فشار حداکثری ترامپ، بخواهیم مسئول اول وزارتخانه مقابله‌کننده با این مسأله را تغییر دهیم

و این ساختار مدیریتی را دچار مشکل کنیم. در کنار این مسأله، اکنون استیضاح کمکی به حل مسأله نمی‌کند. اگر امروز آقای همتی استیضاح و برکنار شود، یافتن جایگزین برای او چندین ماه به طول می‌انجامد و این زمان یعنی حوزه اقتصاد کشور عملاً تعطیل و بدون مدیریت می‌شود. استیضاح‌کنندگان مدعی‌اند نگران ناپسمانی‌های بازار ارز هستند. مجلس در این باره تذکرات لازم را به تیم اقتصادی دولت و وزیر اقتصاد داده است. به عبارت دیگر، مجلس این مسأله را پذیرفته و می‌داند که مردم درگیر مشکلات عدیده معیشتی هستند و دولت برای حل مسأله باید راهکاری داشته باشد. اما این توجه دادن یا نظارت کردن نباید به استیضاح منجر شود. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که بیشتر اصرارکنندگان بر استیضاح، عمدتاً دغدغه دیگری دارند و دنبال آن هستند تا به لحاظ سیاسی، دست‌تکی از وزرای کابینه را از این قطار خارج کنند. برخی از استیضاح‌کنندگان بیشتر دنبال ارسال پیام به دولت هستند تا رافع مشکلات مردم. من به عنوان نماینده مردم، اگر به این تشخیص برسم که استیضاح وزیر اقتصاد نفع مردم است و مشکلات را حل می‌کند، قطعاً خودم پیشگام خواهم شد. اما امروز و در شرایط فعلی کشور این موضوع را به صلاح مردم و کشور نمی‌دانم و مخالف استیضاح وزیر اقتصاد هستم.

تصمیم احتمالی همتی برای تغییر در این بانک هم باشند. اما عمده دلیل استیضاح‌کنندگان برای مخالفت با شخص همتی نوسانات ارزی است، که نه تنها دلایل عمده آن در جمله

در تحولات بین‌المللی و ضرورت‌های حاکم بر سیاست خارجی ریشه دارد، بلکه به لحاظ تصمیمات مدیریتی نیز در وهله اول به دستگام دیگری مرتبط است.



مهداد لاهوتی نماینده لنگرود

## دو دلیل برای مخالفت با استیضاح

برخی عنوان می‌کنند که در شرایط اعمال فشار حداکثری، استیضاح به صلاح نیست. من این را نمی‌پذیرم، زیرا بحث فشار دولت آمریکا همیشه علیه ملت ایران بوده است و فرقی ندارد که دولت ترامپ باشد یا بایند. با لحاظ این مسأله، ما ارائه دو دلیل طرح استیضاح وزیر اقتصاد را در شرایط فعلی به صلاح و منطقی نمی‌دانم؛ اولین دلیل این است که ساماندهی بازار از ارتباطی به وزیر اقتصاد ندارد و این بانک مرکزی است که باید در زمینه ساماندهی بازار ارز پاسخگو باشد. دومین دلیل غیرمنطقی بودن استیضاح وزیر اقتصاد، تعجیل برخی از نمایندگان در قضاوت کردن نسبت به عملکرد دولت آقای پزشکیان است. زیرا اکنون فقط چندماه است که پزشکیان سکان اجرایی کشور را برعهده گرفته و در مدت فعالیت وی، اتفاقات زیادی بر کشور گذشته است. در همان روز اول ریاست جمهوری پزشکیان، آقای هنیه به شهادت رسید که قطعاً بر کشور تأثیرگذار بود و فضای جنگ را بر کشور تحمیل کرد. با مجموع این شرایط و تحولات، می‌توان گفت که دولت در مدت کوتاه آن هم با این تحولات گسترده، طبیعی‌آمی تواند معجزه کند. در کنار اینها، نمایندگان مجلس باید به خاطر داشته باشند که ابزارهای نظارتی مختلفی مانند سؤال، تذکر و اعمال ماده ۲۳۴ را در اختیار دارند. استیضاح صرفاً ابزار پابندی نظرات است و وقتی باید به کار رود که دیگر ابزارها مفید نبوده باشند. در مجموع همه این دلایل، در این فاصله کوتاه از عمر دولت، بهره‌گرفتن از ابزار آخر نظارتی، یعنی استیضاح را که به معنای پس گرفتن رأی اعتماد است، منطقی نمی‌دانم. زیرا این ابزار نظارتی کمکی به حل مسائل اقتصاد کشور نمی‌کند و اتفاقاً در حل آن نعل بیشتری ایجاد می‌کند، زیرا فقط معرفی وزیر بعدی چند ماه طول می‌کشد و عملاً وزارتخانه سکندار اقتصاد کشور را بی‌مسئول می‌گذارد؛ بنابراین استیضاح وزیر اقتصاد آسیب‌ها را جدی‌تر و مشکلات را بیش‌تری می‌کند.

### پیشینه یک استیضاح

اواسط دی ماه بود که حسینیعلی حاجی دلگانی، نماینده شاهی شهر از ارسال طرح استیضاح وزیر اقتصاد به هیأت رئیسه مجلس خبر داد.

در آن مقطع زمانی نه طرحی به عنوان طرح اعلام وصول شده در سامانه مجلس قابل مشاهده بود و نه مشخص بود که کدام نمایندگان با استیضاح همراهی کرده‌اند.

## دلایل نوسان بازار ارز مدیریتی نیست



عثمان سالاری نماینده تربت جام

مسئول اصلی و قانونی سیاست‌های پولی و ارزی کشور رئیس کل بانک مرکزی است و نمایندگان مجلس هم براین امر واقف هستند. بنابراین اگر وزیر اقتصاد را علت العلیل ناپسمانی‌های بازار و افزایش نرخ ارز بدانیم، اقدامی غیرمصرفانه است. باید در نظر داشت اینکه ارز در مدت کوتاهی چنین سیر صعودی داشته است، چندین دلیل دارد. یک دلیل ساختار اقتصادی غلط کشور است و دلیل دیگر، جو روانی ناظر بر سیاست خارجی و فشارهای دولت‌های غربی است. همچنین این مسأله تحت تأثیر نقش سستون پنجم دشمن است که به عنوان پیاده نظام دشمن موجب التهاب در بازار ارز شده است. در غیر این صورت نمی‌بایست که صرفاً به دلیل تحرکات سیاسی رئیس جمهوری آمریکا یا یک کشور غربی، نرخ ارز در کشور ما تا این اندازه دچار نوسان شود و یک سیر صعودی را طی کند. بنابراین به عقیده من، افزایش نرخ ارز نباید دلیل استیضاح وزیر اقتصاد باشد، زیرا با تغییر و تعویض وزیر مربوطه مشکل حل نمی‌شود. همان‌طور که اشاره شد، نوسان نرخ ارز دلایل گوناگون ساختاری دارد و به یک فرد مربوط نیست. برای ریشه‌یابی این موضوع باید سیاست مبتنی بر ریل گذاری اقتصاد کشور در ادوار گذشته را مد نظر قرار داد، نه اینکه وزیری را که بیشتر از چندماه از وزارت او نگذشته است ذبح سیاسی کنیم. به همین خاطر بر این باورم که استیضاح وزیر اقتصاد می‌تواند منشأ سیاسی هم داشته باشد.

موضوع محمداقراقلیاباف نسبت به استیضاح در نقط پیش از دست‌نوش این گونه بود که «در حالی که دشمنان ایران از هر فرصتی برای ضربه زدن به اقتصاد کشور استفاده می‌کنند، بازار ارز به تصمیمات شجاعانه، مدبرانه و آگاهانه نیاز دارد. لذا وارد شدن به فرآیند استیضاح در مقطع فعلی خلاف منافع مردم است و فقط یک اقدام نمایشی و سیاسی محسوب می‌شود.» پرس و جو از دیگر نمایندگان حکایت از آن داشت که به دلیل بار غیرکارشناسی که بر استیضاح‌های زودهنگام مطرح شده استگنی می‌کند، اکثریت مجلس با آن همراهی نداشته‌اند. این وضعیت سبب شد که ارسال رسمی استیضاح به هیأت رئیسه و اعلام اسامی ۸۰ نماینده امضا کننده ۱۰ روز بعد و در ۲۶ دی ماه انجام شود.

### اجرای تدبیر فرا استیضاحی در ابهام

سلیبی در این باره به ایرنا توضیح داد که «از زمانی که گزارش طرح استیضاح به کمیسیون مربوطه ارجاع شود، کمیسیون اقتصادی وزیر طبق ماده ۲۳۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به مدت ۷ روز فرصت دارند در جلسه مشترک این موضوع را بررسی کنند. در صورتی که در کمیسیون، نمایندگان متقاضی استیضاح از سخنان وزیر قانع نشوند، گزارش این طرح به صحن مجلس شورای اسلامی ارجاع می‌شود و از زمان اعلام وصول روز فرصت دارد برای دفاع از خود در صحن مجلس حاضر شود.»

نزدیک به یک ماهی که از ارسال رسمی استیضاح می‌گذرد، با اینتا به استیضاح وزیر اقتصاد و وزیر طبق ماده ۲۳۰ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی به مدت ۷ روز فرصت دارند در جلسه مشترک این موضوع را بررسی کنند. در صورتی که در کمیسیون، نمایندگان و وزرا ندانند، «تفاهم فرااستیضاحی» یکی دیگر از این راه‌ها بود که می‌توانست با برگزاری جلسه بین متقاضیان استیضاح یا

## بررسی پیامدهای منفی لیست سیاه FATF در گفت‌وگو با یک بازرگان ایرانی

# بانک‌های چین و عراق با تجار ایرانی کار نمی‌کنند

### گفت‌وگو

مرتضی گل‌پور دبیر گروه سیاسی

قصه FATF در ایران یکی قصه‌ای هست پرآب چشم. این قصه نشان می‌دهد که برداشته‌های ناصواب و رقابت‌های سیاسی چگونه برای کشور مشکل درست می‌کند. یک نمونه‌اش اینکه محمدرضا باهنر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد کمیسیون‌های مجمع لوایح پالرو و CFT را تأیید کردند. همین خبر کافی بود تا برخی رسانه‌ها به تکاپو بيفتند که کند

مجمع لوایح را تصویب و برای نظام «مصلحت سنجی» کند. اما بخشی از حرف‌های داخلی که درباره FATF زده می‌شود، ناراست است. مثلاً گفته می‌شود اگر عضو این نهاد شویم، باید اطلاعات تراکشی‌های مالی خود را به آمریکا تحویل بدهیم. آیا چین یا روسیه اطلاعات تراکشی‌های مالی را به آمریکا می‌دهند؟ یا می‌گویند دولت سیزدهم دنبال پیوستن به FATF نبود. شاید دولت سیزدهم دنبال پیوستن به این نهاد نبود، اما مگر با مشکلات ناشی از لیست سیاه FATF مواجه نشد که به همین دلیل تلاش کرد با نامه‌نگاری بخشی از این مشکلات را حل کند؟ وزارت اقتصاد به مدیریت سیداحسان خاندوزی با FATF نامه‌نگاری کرد و این نهاد بین‌المللی در نهایت به اشتباه خودی

برد و در آن مورد خاص رویه خود نسبت به ایران را اصلاح کرد. این نمونه، شاهد مثالی است بر این که می‌توان با این نهاد مالی بین‌المللی تعامل داشت، کاری که دولت سیزدهم انجام داد. اما وقتی با لیز سیاسی به همه چیز نگاه شود و مسائل فنی با عینک سیاسی بررسی شود، نتیجه اش می‌شود وضعیتی که امروز درباره FATF در کشور وجود دارد. امروز فعالان بخش خصوصی، دانش‌جویان و شهروندان ایرانی که در چین زندگی می‌کنند، بسیار مشکل FATF را لمس می‌کنند، زیرا بانک‌های چینی به قواعد بین‌المللی احترام می‌گذارند و چون ایران در فهرست سیاه FATF قرار دارد، این بانک‌ها به

دانشجویان و بازرگانان ایرانی خدمات نمی‌دهند. اما مخالفان FATF مشکلات ملموس ایرانیان را نادیده می‌گیرند و از اساتید، تجار یا دانشجویان ایرانی در کشورها نمی‌پرسند که چرا گرفتن ما در فهرست سیاه FATF چه مشکلی را برای آنان ایجاد کرده است. به جای اینکه FATF را زوریه سیاسی بررسی شود، به سراغ یک بازرگان ایرانی رفتیم؛ علی شریعتی یا چین، عراق و روسیه رابطه اقتصادی دارد. این بازرگان در هر سه این کشورها با مشکلات، هزینه‌ها و سختی‌های ناشی از قرار دادن ایران در این سه فهرست سیاه FATF مواجه است. گفت‌وگو با علی شریعتی را می‌خوانید.



علی شریعتی

### بانک‌های چینی درباره FATF به شما چه می‌گویند؟

ما با چین ارتباط بانکی نداریم. عراق‌های ما را قبول ندارند و دولتی وجود دارد. یعنی امروز که هر دلار در بازار آزاد عراق ۱۵۰۰ دینار محاسبه می‌شود، نرخ دولتی برای هر دلار ۱۳۰۰ دینار است. این نرخ دولتی برای این است که وقتی از ایران کالا می‌آوریم و می‌خواهیم پول را برگردانیم، به ما دلار به نرخ دولتی بدهند. فرض کنید من یک بازرگان ترک، ۱۰۰ دلار دلار بار در عراق کالا فروختیم و می‌خواهیم پول‌مان را از کشور خود بازگردانیم. من که ایرانی هستم باید هر ۱۰۰ دلار را به نرخ هر دلار ۱۵۰۰ دینار تغییر بدهم، اما تاجر ترک به سادگی مدارک خود را به دولت می‌دهد و برای او دلار دولتی با نرخ ۱۳۲۰ دینار واریز می‌شود. ایرانیان نمی‌توانند از این شرایط که دولت عراق تهیه کرده استفاده کنند.

عراق تقریبی از این داستان است. ایران در عراق تحریم نیست، اما از آنجا که بانک‌های عراق تحت نظارت هستند و با بانک‌های دنیا کار می‌کنند، این بانک‌ها نمی‌گویند شما را تحریم می‌کنیم، اما می‌گویند به خاطر FATF شما را قبول نداریم، چون شما در فهرست سیاه FATF هستید. بهانه بانک‌های عراق همین

## فراخوان شناسایی تأمین‌کنندگان

عراق تحت نظارت هستند و با بانک‌های دنیا کار می‌کنند، این بانک‌ها نمی‌گویند شما را تحریم می‌کنیم، اما خاطر FATF شما را قبول نداریم، چون شما در فهرست سیاه FATF هستید

**شرکت خدمات ارتباطی رایتل در نظر دارد از طریق این فراخوان، تأمین‌کنندگان فعال در حوزه مدیریت تعمیر و نگهداری تجهیزات و ماشین آلات را مطابق با نیازمندی خود شناسایی نماید.**

**بر این اساس از تمامی شرکت‌های فعال در این حوزه دعوت می‌شود جهت مطالعه شرایط و اعلام آمادگی به بخش "فراخوان شناسایی تأمین‌کنندگان" در سامانه معاملات الکترونیکی رایتل (سمارای) به نشانی <https://sama.rightel.ir> مراجعه کنند.**



**آنجا که بانک‌های عراق تحت نظارت هستند و با بانک‌های دنیا کار می‌کنند، این بانک‌ها نمی‌گویند شما را تحریم می‌کنیم، اما خاطر FATF شما را قبول نداریم، چون شما در فهرست سیاه FATF هستید**

جدی از رئیس جمهوری و سایر ارکان تصمیم‌گیرمطالبه کرده است. مملوس با مشکلات FATF درگیر هستی، چرایش FATF را سیاسی نمی‌کنند؟ درحالی که اصلاً سیاسی نیست.

وقتی استقلال ندارند و اصلاً به صورت مملوس با آن در ارتباط نیستند، ناچارند که بحث را سیاسی کنند و برجسب بزنند. درحالی که این مسأله یک امر کاملاً فنی است و باید از بازرگانان و تجار ایرانی پرسید که FATF اما کسی نمی‌پرسد و اگر کسی از تاجر هم حرفی بزند، به او برجسب سیاسی می‌زند.

مشکل تجارت را دارد و نه مشکل دیگر. به عنوان یک بازرگان که به‌طور ملموس با مشکلات FATF درگیر هستی، چرایش FATF را سیاسی نمی‌کنند؟ درحالی که اصلاً سیاسی نیست.

پهیند؛ ما با کشور چین قرارداد ۲۵ ساله همکاری داریم، اما حتی همین کشور هم قواعد و قوانین FATF را رعایت می‌کند و به همین دلیل مشکلاتی را برای تاجر ایرانی ایجاد کرده است. بالاخره سهم ما در اقتصاد چین یک درصد است. بانک چینی می‌بیند که اگر به من خدمات ندهد، فقط یک درصد بازار خودش را از دست می‌دهد که چیز زیادی برایش نیست، اما اگر به ما خدمات بدهد، ممکن است ۹۹ درصد دیگر تجارت او تحت‌الشعاع قرار بگیرد. بنابراین عاقلانه این است که به ما می‌گوید نگذارید ما آسیب ببینیم و بروید قوانین را رعایت کنید. بنابراین چون ما سهم کمی در بازار جهانی داریم، قدرت چانه‌زنی هم نداریم. به همین دلیل وقتی به کشور چین می‌رویم که با ما قرارداد ۲۵ ساله هم دارد، شما نمی‌توانید حتی یک ایرانی